



۲۰۱۹/۰۱/۲۰



محمد هدایت

آیا فصل تغییر فرا رسیده است؟

پروسه ثبت نام کاندیدان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۸ و ترکیب تیم‌های انتخاباتی به همان اندازه که از یک آشوب درونی در جامعه افغانی حکایت می‌کند، در بردارنده چشم‌اندازهایی است که به شکل مستتر در رویدادها نمود می‌یابند و از تغییرات اساسی در آینده نسبتاً نزدیک خبر می‌دهد. در این که تاریخ همواره در حال تغییر است و سرنوشت انسان‌ها هرگز در یک حالت باقی نمی‌ماند، و سرشت فلسفه تاریخ تغییر است، شکی نیست. اما مهم این است که اکنون به نظر میرسد زمان برای یک تغییر اساسی فرارسیده است.

در این که جامعه ما در ظاهر دچار آشوب است نیز شکی وجود ندارد. جنگ، ناامنی، فقر، افراطیت مذهبی، رسوبات تفکرات تبارگرایانه، شیوع تنفر قومی، ویرانی زیرساخت‌های اقتصادی، بیکاری، ناامیدی و یاس و دها مورد دیگر، نشانه‌های واضح از یک تباهی تاریخی اند. این تباهی اما، یکباره به وجود نیامده است. نزدیک به چهل سال است که این کشور در آتش جنگ و نابسامانی قرار دارد و در تمام این مدت، هیچ کسی در این سرزمین در فکر ساختن و آبادانی نبوده است. اگر کسانی بوده اند، شاید توانایی ایجاد تغییر را نداشته اند و شاید تلاش هم کرده اند ولی تلاش‌های شان عقیم مانده است.

در سال ۲۰۱۴، افغانستان یک بار دیگر در لبه پرتگاه قرار گرفت و احتمال یک فروپاشی دیگر قوت گرفته بود. اما به هر ترتیبی بود وضعیت کنترل شد و ما به سختی در شرایط کنونی قرار گرفتیم. اکنون پس از یک انتخابات پر از مشکلات پارلمانی، افغانستان آماده انتخابات ریاست جمهور در سال ۱۳۹۸ شمسی می‌شود.

اکنون پس از اعلان نتایج باور نکردنی انتخابات پارلمانی و بازماندن رهبرزادگان از بازی قدرت، به نظر میرسد انتخابات ریاست جمهوری سال آینده نیز شگفتی خلق خواهد کرد. این شگفتی چیزی نیست جز تغییراتی که به مذاق بسیاری از چهره‌های سنتی و اشرافیت برساخته عصر جنگ و ویرانی، بسیار تلخ خواهد آمد. نشانه‌هایی از این تغییرات از هم اکنون در عملکرد، نحوه گفتار و انتخاب تیم‌ها به چشم می‌خورد.

عدم استقبال نخبگان سیاسی از معاونت در تیم‌های تخیلی، تشکیل تیم‌هایی از سر ناچاری و استیصال، پافشاری بر جهان بینی بسته و ایدئولوژیک مذهبی در متن یک بازی دموکراتیک، بازتولید نمادین ارزش‌های دموکراتیک بدون باور بدان‌ها، قرار گرفتن دشمنان دیروز در کنار هم تنها به خاطر حفظ منافع شخصی و خانوادگی و ... بخشی از نشانگان تغییرات اجباری است که بر سر همه ما خواهد آمد.

به موازات این رویدادهای سیاسی در متن جامعه نیز بستری برای تغییر فراهم شده است. تغییر در باورها و نیز جابجایی در گروه‌های مرجع از مهم ترین نشانه‌های تغییر است. از یک سو باورهای ایدئولوژیک به شدت زیر سوال رفته و جای آنها را ارزش‌های جدید گرفته اند و از سوی دیگر گروه‌های مرجع جایگاه خود را در

ذهنیت جمعی از دست داده اند. رهبران سیاسی و عناصر کلیدی تنظیم های عصر جنگ، توانایی بسیج مردمی را از دست داده اند و دیگر ظرفیت بازتولید اسطوره های عصر مقاومت را ندارند و آن جاذبه ها را نیز نمیتوانند خلق کنند .

انتخابات ریاست جمهوری سال آینده از آن حیث اهمیت دارد که ما در نقطه عطف تاریخ قرار داریم. یا به گذشته برمیگردیم و جنجال های خانمان بر انداز و چهره های ویرانگر سال های جنگ را بازتولید می کنیم و یا از گذشته عبور می کنیم و به یک تغییر نسلی مهم لبیک می گوئیم.

در این میان البته نفس تداوم روند دموکراتیک انتخابات نیز مهم است. از این منظر گذشته از این که چه کسانی پیروز می شوند و چه کسانی می بازند، نفس تن دادن به دموکراسی یک گام بزرگ به پیش است. زیرا خاصیت دموکراسی این است که مثل یک موجود زنده تفاله ها و فضله های خویش را به صورت طبیعی دور می ریزد و به زباله دانی تاریخ می فرستد. اما منتظر ماند در مسیر تاریخ کار مردمانی است که توانایی تغییر و تحول را ندارند و ظرفیت آن را نیافته اند.

تمام نشانه ها اما حاکی از این است که فصل تغییر فرا رسیده است و ما شاهد یک تغییر اساسی و بزرگ و در عین حال سریع در فرایند تحولات سیاسی و دموکراتیک کشور خواهیم بود. آنچه اکنون در پروسه انتخابات و چگونگی تشکیل تکت های انتخاباتی می گذرد، بستر یک تحول و تغییر آگاهانه و تاریخی را نوید می دهد.

